

ارزیابی مقایسه‌ای ویژگیهای روان‌شناختی مؤثر بر نگرشهای کارآفرینانه دانشجویان کتابداری و اطلاع‌رسانی پزشکی دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور

پریسا ملک احمدی^۱

بهار پوربهرام^۲

چکیده

مقدمه: بیکاری به عنوان یک معضل اساسی در جامعه، بویژه در میان دانش‌آموختگان نظام آموزشی عالی کشور، شناخته شده است. دانش‌آموختگان رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی نیز از این قاعده مستثنا نیستند، بویژه که به دلیل نداشتن شناخت صحیح از این رشته و بی‌توجهی‌های صورت گرفته، با مشکلات بیشتری در این زمینه نیز مواجه هستند. به همین دلیل، توسعه توانایی و قابلیت‌های کارآفرینی دانش‌آموختگان رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی، عاملی مهم برای سازماندهی اشتغال آنان در آینده خواهد بود. هدف از انجام این پژوهش، ارزیابی مقایسه‌ای ویژگیهای روان‌شناختی مؤثر بر نگرشهای کارآفرینانه در میان دانشجویان کتابداری و اطلاع‌رسانی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان است.

روشها: روش پژوهش، توصیفی - پیمایشی است. جامعه آماری مشتمل بر دانشجویان کارشناسی ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی پزشکی دانشگاه‌های علوم پزشکی تهران، شهید بهشتی، اصفهان، کرمان و بوشهر و شامل ۸۶ نفر دانشجویست که تمامی این تعداد بررسی شدند. ابزار پژوهش، پرسشنامه‌ای بود که روایی آن توسط استادان حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی پزشکی و کارآفرینی تأیید و پایایی آن با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۹۵ محاسبه شده است.

یافته‌ها: در میان ویژگیهای روان‌شناختی کارآفرینی، دو ویژگی خلاقیت و ریسک‌پذیری دانشجویان زن بالاتر از دانشجویان مرد بود. همچنین تفاوت معناداری میان دانشجویان براساس دانشگاه‌های مختلف در ویژگیهای روان‌شناختی کارآفرینی وجود نداشت.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان
parisa.malekhamadi@gmail.com

۲. دانشجوی دکترای مدیریت آموزشی دانشگاه اصفهان.

نتیجه‌گیری: توسعه مهارت‌های کسب و کار و ارائه دوره‌های آموزش کارآفرینی به منظور تقویت قابلیت‌های کارآفرینی در دانشجویان و غنی‌سازی محتوای این دوره‌ها با نیازهای رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی پزشکی و نیازهای حوزه بهداشت و درمان از طریق تأسیس مراکز کارآفرینی، از پیشنهاد‌های این پژوهش است.

کلیدواژه‌ها: کارآفرینی، ویژگی‌های روان‌شناختی، دانشجویان کتابداری و اطلاع‌رسانی پزشکی.

مقدمه

وظیفه دانشگاه به‌عنوان اساسی‌ترین عامل پایداری نظام آموزش عالی، پرورش و آماده ساختن نیروی انسانی کارآمد، شایسته و ماهر به‌منظور پاسخگویی به نیازهای واقعی جامعه در زمینه‌های گوناگون است؛ نظامی که بتواند دانشجویان را به عنوان نوآوران، اندیشمندان و حرفه‌شناسان تربیت و به جامعه عرضه کند. با وجود نقش بی‌بدیل دانشگاه‌ها در توسعه پایدار، در طول دهه گذشته آموزش عالی با انتقادهای هویتی متعددی رو به رو بوده است. کاهش نرخ اشتغال دانش‌آموختگان به دلیل ناتوانی آنان در مواجهه مناسب با مسائل و مشکلات سامانه‌ای و پیچیده جامعه، بی‌توجهی به پرورش خلاقیت و توان کارآفرینی، نبود ارتباط متقابل و متعامل بین آموزش عالی و بخش‌های صنعت، کشاورزی و خدمات، و از همه مهم‌تر هویت متخصصان و الگوی غالبی که در آن تربیت شده‌اند، جزء این انتقادات به شمار می‌رود (علی‌بیگی، ۱۳۸۵).

همه فلسفه‌های آموزش عالی اتفاق نظر دارند که دانشگاه‌ها با درس‌های ارائه شده به دانشجویان، برگزاری آزمون‌های متعدد و روش مرسوم نمره‌دهی که در نهایت فرد را تحصیلکرده محسوب می‌کنند، هرگز نیاز جامعه و حتی بنگاه‌های صنعتی و تجاری را مرتفع نمی‌سازند. در واقع، از یک دانش‌آموخته انتظاری بسیار فراتر از دانستن مجموعه‌ای از دانش‌های بنیادین و فناوری‌های نوین می‌رود. بر همین اساس، امروزه مشکلات فراوانی در خصوص ناسازگاری برنامه‌های درسی با تقاضای بازار کار و موفق نبودن نظام‌های آموزشی فعلی در کمک به دانشجویان برای کسب اطلاعات و

مهارتهای لازم برای ایفای نقش مؤثر در بازار کار مشاهده می‌شود (فیض و بهادرنژاد، ۱۳۸۹).

با توجه به افزایش ظرفیت پذیرش دانشگاه‌ها از یک سو و روند رو به رشد بیکاری در سالهای اخیر از سوی دیگر، ضرورت رویارویی با این معضل از طریق ایجاد فرصتهای شغلی جدید در رأس برنامه‌های دولت قرار گرفته و مورد توجه بالاترین مقامهای اجرایی کشور است. اما آنچه مسلم است و باید بیش از هر اقدام اقتصادی و اجتماعی دیگری مورد توجه جدی مسئولان و کارگزاران اداره امور کشور قرار گیرد، اقدام در پذیرش، چگونگی یافتن و اعمال روشهای کارا برای ایجاد و تغییر جهت‌گیری دانشگاه‌ها به سوی عملی کردن علم و نتایج تحقیقات است (فرشاد و دیگران، ۱۳۸۷).

بسیاری از کشورها، بویژه ایالات متحده، کشورهای اتحادیه اروپا، جنوب شرق آسیا، چین و برخی از کشورهای آمریکای لاتین، از جمله راه‌حلهای برون‌رفت از این بحران را در محور کارآفرینی یافته و به آن توجه بسیاری نشان داده‌اند. این کشورها به سه دلیل مهم «ایجاد و توسعه فناوری»، «تولید ثروت در جامعه» و «ایجاد اشتغال» برای موضوع کارآفرینی اهمیت فراوانی قایل شده و به آن پرداخته‌اند (مقیم، ۱۳۸۲). بنابراین، توجه به امر کارآفرینی به‌عنوان یک راهکار مهم در راستای اشتغال‌زایی، رشد اقتصادی و ایجاد تحرک اجتماعی، مطرح است.

کارآفرینی عبارت است از مجموعه فعالیتهایی که با استفاده اثربخش از منابع و امکانات، به پایداری و تحریک پیشرفت اقتصادی و اجتماعی کمک می‌کند، به ایجاد ارزشهای جدید منجر می‌شود و فرصتهای استخدام و اشتغال تازه را فراهم می‌آورد (یامادا، ۲۰۰۴). اکثر صاحب‌نظران، کارآفرینی را شرط بقا و توسعه دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی به شمار می‌آورند، زیرا در عصر توسعه فناوریهای پیشرفته و صنایع دانش‌محور در اقتصاد جهانی، منطقه‌ای، ملی و حتی محلی، فقط از طریق تقویت و تعامل دانشگاه و بازار کار است که می‌توان با بحرانهای گسترده کنونی مقابله کرد. در واقع، کارآفرینی دانشگاهی برآیند تلاقی دو جریان یاد شده؛ یعنی کارآفرینی سازمانی و نظام نوین آموزش عالی و پژوهشی جدید است که مورد توجه تمام کشورهای پیشرفته

دنیا قرار گرفته است (شریف‌زاده و دیگران، ۱۳۸۸). توسعه کارآفرینی در میان دانشجویان، باعث نظام‌مند کردن فرایند کارآفرینی و تعمیق فرهنگ و الگوهای کارآفرینانه، تسریع رشد اقتصادی از طریق ایجاد شرکتها و مشاغل جدید، تغییر رویکردها و نگرشها درباره کارآفرینی، نوآوری در مشاغل، توسعه و تحریک مهارتهای کارآفرینانه در طول تحصیل و آماده‌کردن دانشجویان برای بازار کار پویا و مشارکت در توسعه می‌شود (پوستیگو، ۲۰۰۲).

دانشگاه کارآفرین، مکانی است که مشاغل جدید در آن خلق می‌شود. این مراکز از افراد در زمینه‌های آموزشی، مالی و بازاریابی حمایت و کارآفرینان امکان دسترسی به کتابخانه‌ها و آزمایشگاه‌ها را پیدا می‌کنند. در چنین دانشگاه‌هایی، برای سرمایه‌گذاران امکاناتی ایجاد می‌شود تا مراکز جدید کسب و کار را فراهم آورند. همچنین، با آنها همکاری می‌شود تا مشکلات خود را پیش‌بینی و از فرصتهای به‌دست آمده استفاده کنند. و بدین ترتیب، تجربه‌ای ارزشمند در حیطه مالی و بازاریابی کسب نمایند. موقعیتهای شغلی که با یک دانشگاه کارآفرین در ارتباط باشند، از مزایای آن بهره می‌جویند و به این دلیل، فرایندهای علمی دانشگاه‌ها تکمیل و موقعیتهای شغلی از دل پژوهشهای دانشگاهی ایجاد می‌شوند. در چنین محیط‌هایی، دانشجویان مجموعه‌ای از دانش مدیریت و کارآفرینی را توأم می‌آموزند و با امکاناتی که دانشگاه در اختیار آنها قرار می‌دهد، شروع به فعالیت در عرصه کتابداری و اطلاع‌رسانی می‌کنند (صفرزاده، احدی شریف و کارگزیان مروستی، ۱۳۸۸). در سیر تبیین مفهوم کارآفرینی، ویژگیها، کارکردها و فعالیتهای متنوعی به افراد کارآفرین نسبت داده شده است. مطالعات انجام شده در این زمینه، به شکل‌گیری رویکرد ویژگیهای شخصیتی کارآفرینانه منجر شد. در طی دو دهه آخر قرن بیستم، غالب صاحب‌نظران کارآفرینی پنج قابلیت اصلی و مهم «خلاقیت» (گالبراث، ۲۰۰۲)، «ریسک‌پذیری» (اولاکیستان و ایوبامی، ۲۰۱۱)، «کنترل درونی» (گیت‌وود، شاورا و گارتنر، ۱۹۹۵؛ هود و یانگ، ۱۹۹۳)، «انگیزه پیشرفت» (بلا و شرم، ۱۹۹۵؛ دلمار، ۱۹۹۶؛ مینر، اسمیت و براکر، ۱۹۹۲) و «استقلال طلبی» (وسپر، ۱۹۹۳؛ پورداریانی، ۱۳۸۳) را به عنوان ویژگیهای اساسی افراد کارآفرین برشمرده‌اند. بر

اساس پژوهشهای انجام شده، پرورش ویژگیهای ذکر شده در افراد باعث ارتقای قابلیت‌های کارآفرینی در آنان می‌شود. برخی از این ویژگیها عبارتند از:

- **استقلال طلبی:** به عنوان نیرویی برانگیزاننده و محرک که با ویژگی داشتن مرکز کنترل درونی ارتباط نزدیکی دارد.

- **تحمیل ابهام:** به معنای توانایی ادامه حیات با داشتن اطلاعات ناقص درباره محیط و تمایل داشتن به فعالیتی مستقل، که به نظر می‌رسد در کارآفرینان این ویژگی به مراتب بیشتر از سایر افراد است.

- **توفیق طلبی:** به مفهوم نیاز به کسب موفقیت، یک انگیزه مشخص بشری که از دیگر نیازهای انسانی متمایز است. کارآفرینانی که با به‌کارگیری انگیزه و محرک درونی خود دست به رقابت و چالش می‌زنند، به نوعی نیاز به توفیق یافتن و مطرح شدن را احساس می‌کنند.

- **خلاقیت:** شامل به‌کارگیری تواناییهای ذهنی برای ایجاد مفهومی جدید یا ایده‌ای متمایز است.

- **ریسک‌پذیری:** به معنای پذیرش مخاطره‌هایی که می‌توانند با کشمکشهای شخصی و درونی مهار و کنترل شوند.

بنابراین، با توجه به وضعیت جمعیتی، تحصیلی و اشتغال دانشجویان کتابداری و اطلاع‌رسانی در کشور، و گاه بی‌توجهی‌هایی که نسبت به این حرفه و تخصص صورت پذیرفته و در این رشته بیش از دیگر رشته‌ها دیده می‌شود، تدبیر اندیشی برای حلّ معضل بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاهی این حیطه و ایجاد اشتغال و استفاده از توانمندیهای این قشر از جامعه، کاملاً احساس می‌شود. پژوهش حاضر با هدف کلی ارزیابی مقایسه‌ای قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان کتابداری و اطلاع‌رسانی با تأکید بر پنج قابلیت شامل انگیزه پیشرفت، کنترل درونی، ریسک‌پذیری، استقلال‌طلبی و خلاقیت در بین دانشجویان کتابداری و اطلاع‌رسانی مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور (دانشگاه علوم پزشکی تهران، شهیدبهشتی، اصفهان، کرمان و بوشهر) اجرا شده است. هدفهای اختصاصی پژوهش عبارتند از:

۱. اولویت‌بندی قابلیت‌های کارآفرینی در بین دانشجویان
۲. مقایسه ویژگی‌های روان‌شناختی کارآفرینی در بین دانشجویان بر اساس جنسیت
۳. مقایسه ویژگی‌های روان‌شناختی کارآفرینی در بین دانشجویان بر اساس دانشگاه‌های مختلف مورد بررسی.

مروری بر ادبیات پژوهش

تحقیقات نشان می‌دهد در افراد قابلیت‌هایی وجود دارد که پرورش این قابلیت‌ها موجب کارآفرینی آنان می‌شود. «ریسال»^۱ (۱۹۹۲) در پژوهشی خلاقیت و نوآوری را مؤثرترین ویژگی در انجام یافتن فعالیت‌های کارآفرینانه عنوان کرده است. «پوستیگو»^۲ (۲۰۰۲) با بررسی و ارزیابی وضعیت موجود آموزش کارآفرینی بیان کرد که از نظر دانشجویان، مهم‌ترین دوره‌های آموزشی برای تقویت و توسعه توانایی‌های کارآفرینی، دوره‌های آموزش خلاقیت و نوآوری است. «برومند نسب» (۱۳۸۱) نیز در پژوهشی در زمینه رابطه انگیزه پیشرفت، مخاطره‌پذیری، خلاقیت و عزت نفس دانشجویان را بررسی کرد. نتایج پژوهش وی نشان داد بین انگیزه پیشرفت و خلاقیت و کارآفرینی دانشجویان، رابطه معناداری وجود دارد.

بر اساس یافته‌های «قاسمی و اسدی» (۱۳۸۸)، میان متغیرهای مربوط به عامل روان‌شناختی تأثیرگذار بر روحیه کارآفرینی، به ترتیب سختکوشی و تلاش مداوم برای تحقق هدفها، اعتماد به نفس و خودباوری و دوران‌دیش و آینده‌نگر بودن کمترین تأثیر را در ایجاد روحیه کارآفرینی در بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران داشته است. «غفاری» (۱۳۸۷) در مطالعه‌ای، کارآفرینی دانشگاه پیام نور اراک را بررسی نمود. نتایج پژوهش وی نشان داد قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان در زمینه استقلال‌طلبی، کنترل درونی،

1. Rissal.
2. Postigo.

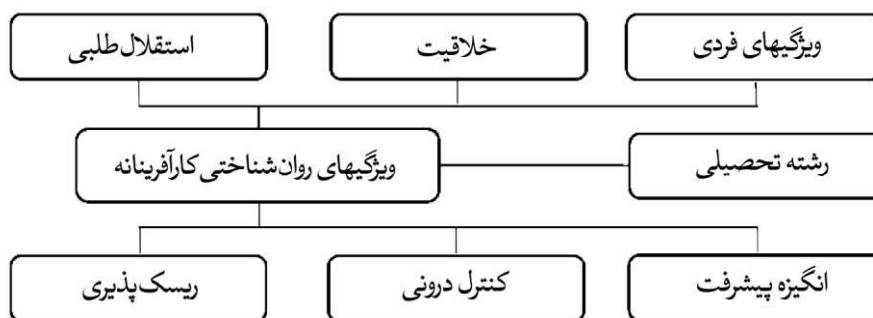
انگیزه پیشرفت و خلاقیت، بالاتر از حد میانگین و نمره ریسک‌پذیری آنان از میانگین پایین‌تر بود. همچنین، آموزشهای دانشگاهی در پرورش قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان مؤثر نبود. «بدری» (۱۳۸۵) در پژوهشی ضمن بررسی قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان دانشگاه اصفهان و تأثیر آموزشهای دانشگاهی در افزایش این قابلیت‌ها، نشان داد که قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان در زمینه استقلال‌طلبی، کنترل درونی، انگیزه پیشرفت و خلاقیت، بالاتر از حد میانگین و نمره‌های ریسک‌پذیری از متوسط نمره معیار پایین‌تر است. همچنین، آموزشهای دانشگاهی در پرورش ویژگیهای کارآفرینی در دانشجویان مؤثر نبوده است. «پارائی» (۱۳۸۸) با بررسی برخی ویژگیهای کارآفرینی در دانشجویان دانشگاه شیراز و مقایسه آن با مدیران صنایع، نتیجه گرفت که مدیران از انگیزه پیشرفت بالاتری نسبت به دانشجویان برخوردارند، اما ریسک‌پذیری دانشجویان از مدیران صنایع بالاتر است. همچنین، بین ویژگیهای کارآفرینی دانشجویان با جنسیت، محل تولد و سطح تحصیلات والدین، رابطه معناداری وجود نداشت.

«فیض و صفایی» (۱۳۸۸) در تحقیق انجام شده به منظور بررسی روحیه کارآفرینی دانشجویان دانشگاه سمنان از طریق تعیین نمره ویژگیهای شخصیتی هشت‌گانه شامل ریسک‌پذیری متعادل، کانون کنترل، نیاز به موفقیت، سلامت فکری، عمل‌گرایی، تحمل ابهام، رویاپردازی و چالش‌طلبی، نشان دادند بین دانشکده‌های مختلف از نظر روحیه کارآفرینی تفاوت معناداری وجود ندارد و بر اساس استانداردهای مورد بررسی، نمره نهایی کارآفرینی دانشجویان دانشکده دامپزشکی در دامنه ضعیف و در سایر دانشکده‌ها در دامنه قوی قرار دارد و هیچ‌کدام از دانشکده‌ها حایز نمره کارآفرینی بسیار قوی نشدند. بر اساس نتایج پژوهشی «پورآتشی و مختارنیا» (۱۳۸۸) از دیدگاه اعضای هیئت علمی، چهار عامل روان‌شناختی، خدمات مالی و حمایتی، تحصیلی و مهارت کسب و کار مهم‌ترین عامل‌های مؤثر بر کارآفرینی در میان دانش‌آموختگان کشاورزی شناخته شد و داشتن انگیزه کافی، خلاقیت و نوآوری و تأمین مالی، در اولویت اول تا سوم به‌عنوان متغیرهای مهم شناخته شدند.

«جعفری مقدم و اعتمادی» (۱۳۸۸) در مطالعه‌ای درباره بررسی نگرشهای کارآفرینانه دانشجویان دانشگاه تهران نشان دادند که متغیر مثبت نگرش دانشجویان مدیریت کارآفرینی نسبت به ویژگیهای شخصیتی کارآفرینی پس از دو سال و برخوردار نبودن این تفاوت معنادار در نگرش دو گروه دانشجویان دانشکده برق نسبت به ویژگیهای روان‌شناختی کارآفرینی است. این گروه‌ها در مقایسه با دانشجویان ترم اول مدیریت کارآفرینی، جز شاخص ریسک‌پذیری، در بقیه شاخصها وضعیت بهتری دارند.

«سوختانلو و همکاران» (۲۰۰۹) در پژوهشی به ارزیابی و مقایسه قابلیت‌های روان‌شناختی مؤثر بر سطح کارآفرینی دانشجویان کشاورزی دانشگاه تهران پرداختند و نشان دادند که مقطع تحصیلی و دوره‌های دانشگاهی مختلف، قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان کشاورزی را افزایش نمی‌دهد. برخی مطالعات مرتبط با جنسیت نیز نشان داد زنان نسبت به مردان قابلیت‌های کارآفرینی پایین‌تری دارند. «آقا»^۱ (۲۰۰۲) در مطالعات خود به این نتیجه دست یافت که افراد تمایل دارند موفقیت را در جنس مذکر به برخی عامل‌های درونی نظیر تلاش یا قابلیت‌های ویژه نسبت دهند، در حالی که موفقیت در زنان اغلب به عواملی نظیر شانس یا ساده بودن وظیفه محول شده نسبت داده می‌شود. مطالعات «گالبریت»^۲ (۲۰۰۲) در زمینه کارآفرینی نیز شاهد این مدعا است که میزان ریسک‌پذیری زنان در مقایسه با مردان کمتر است و راهبردهای خطرپذیر را کمتر دنبال می‌کنند (گالبراث، ۲۰۰۲). در این مقاله با توجه به مبانی نظری و نتایج پژوهشهای مرتبط با قابلیت‌های کارآفرینی چارچوب نظری تحقیق ترسیم شده است.

1. Agha.
2. Galbrit.



شکل ۱. چارچوب نظری تحقیق

مواد و روشها

مطالعه حاضر با هدف ارزیابی مقایسه‌ای ویژگیهای روان‌شناختی کارآفرینی در میان دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی پزشکی دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور طراحی و اجرا شده است. پژوهش از نوع کاربردی و روش پژوهش از نوع توصیفی-پیمایشی است. جمعیت مورد مطالعه ۸۶ دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی پزشکی دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور در سال ۱۳۹۱ می‌باشند که تعداد ۷۰ نفر به پرسشنامه پاسخ دادند. ابزار پژوهش پرسشنامه‌ای بود که روایی محتوایی آن بر اساس نظر جمعی از استادان و صاحب‌نظران مربوط تأیید شد و برای تعیین اعتبار آن نیز یک مطالعه راهنما به تعداد ۳۰ پرسشنامه در خارج از نمونه مورد مطالعه انجام و مقدار آلفا برای متغیرهای مورد بررسی از طریق آزمون آلفای کرونباخ برای متغیر انگیزه پیشرفت برابر ۰/۷۵، کنترل درونی برابر ۰/۸۲، ریسک‌پذیری برابر ۰/۸۲، استقلال‌طلبی برابر ۰/۸۲ و خلاقیت برابر ۰/۷۶ محاسبه گردید. متغیرهای مستقل این تحقیق عبارتند از: جنسیت و دانشگاه محل تحصیل، متغیر وابسته پژوهش؛ یعنی قابلیت‌های کارآفرینی شامل مجموعه‌ای از پنج قابلیت با عنوانهای انگیزه پیشرفت، کنترل درونی، ریسک‌پذیری، استقلال‌طلبی و خلاقیت که از طریق آزمونهای استاندارد

شده ریسک‌پذیری هانس^۱، خلاقیت تورنس^۲، کنترل درونی راتر^۳، انگیزه پیشرفت باهارگاوا^۴ و استقلال‌طلبی هیسریچ^۵ مورد سنجش قرار گرفت و بر اساس نتایج آزمون اولیه، اصلاحات لازم برای بومی‌سازی محتوای پرسشنامه انجام و گویه‌های نهایی تنظیم، تدوین و ارائه شد. برای سنجش هر کدام از پنج عامل تشکیل‌دهنده کارآفرینی، گویه‌ها در یک مجموعه منظم از عبارات دارای ترتیب خاص و دارای وزنهای مساوی تدوین و برای هر عامل ۹ گویه نهایی در یک مقیاس ۵ گزینه‌ای از طیف لیکرت با نمره‌هایی در دامنه ۱ تا ۵ بررسی شد و امتیازهای پاسخگویان درباره هر کدام از عوامل از مجموع امتیازهای کسب شده، در دامنه ۹ تا ۴۵ قرار گرفت. در پژوهش حاضر از ضریب تغییرات^۶ که از تقسیم انحراف معیار به میانگین به دست می‌آید نیز برای اولویت‌بندی نمره عوامل تشکیل‌دهنده روحیه کارآفرینی استفاده شد. به منظور تحلیل داده‌ها و دستیابی به هدفهای تحقیق، از روشهای آماری توصیفی و آمار استنباطی نظیر میانگین، انحراف معیار، ضریب تغییرات و آزمونهای مقایسه میانگین‌ها استفاده و در نرم‌افزار SPSS صورت پذیرفت.

نتیجه‌گیری

۵۳ نفر از پاسخگویان زن و ۱۷ نفر مرد بودند. ۳۲ نفر از پاسخگویان دانشگاه علوم پزشکی تهران، ۷ نفر در دانشگاه علوم پزشکی شهیدبهشتی، ۱۲ نفر در دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، ۱۰ نفر دانشگاه علوم پزشکی کرمان و ۹ نفر از دانشگاه علوم پزشکی بوشهر بودند.

به منظور سنجش میزان قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان، پنج متغیر انگیزه پیشرفت، کنترل درونی، ریسک‌پذیری، استقلال‌طلبی و خلاقیت، مطابق بررسیهای پیشین در نظر

1. Hans.
2. Torrance.
3. Ratter.
4. Bahargava.
5. Hisrich.
6. Coefficient of Variation (CV).

گرفته شد. هر کدام از قابلیت‌های کارآفرینی پاسخگویان بالاتر از حد میانگین قابل انتظار قرار دارد، زیرا حداقل و حداکثر نمره‌ای که هر پاسخگو در خصوص هر کدام از قابلیت‌ها می‌توانست کسب کند، به ترتیب ۹ و ۴۵ بود. بدین ترتیب، در خصوص پنج مؤلفه بررسی شده، عامل کنترل درونی با میانگین $۳۳/۰۶$ ، انحراف معیار $۴/۱۹$ و ضریب تغییرات $۰/۱۲۶$ در اولویت نخست قرار داشته، عوامل انگیزه پیشرفت، استقلال‌طلبی و خلاقیت به ترتیب در اولویت‌های بعدی قرار گرفتند. عامل ریسک‌پذیری نیز با میانگین $۳۱/۴۳$ ، انحراف معیار $۵/۱۴$ و ضریب تغییرات $۰/۱۶۳$ در اولویت آخر قرار گرفت؛ به این معنا که از بین قابلیت‌های تشکیل‌دهنده شخصیت کارآفرینی، پاسخگویان در زمینه کنترل درونی بالاترین قابلیت و در زمینه ریسک‌پذیری کمترین قابلیت را دارند. این یافته‌ها با نتایج به‌دست آمده از تحقیقات «غفاری» (۱۳۸۷) و «بدری» (۱۳۸۵) مطابقت و فقط در مواردی جزئی تفاوت دارد.

جدول ۱. توزیع فراوانی پاسخگویان از نظر ویژگیهای روان‌شناختی کارآفرینی

ردیف	قابلیت‌های کارآفرینی	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات	رتبه
۱	کنترل درونی	۳۴/۵۶	۴/۱۷	۰/۱۲۴	۱
۲	انگیزه پیشرفت	۳۴/۳۰	۴/۵۹	۰/۱۳۳	۲
۳	استقلال‌طلبی	۳۲/۳۱	۴/۸۵	۰/۱۴۰	۳
۴	خلاقیت	۳۱/۰۸	۵/۲۳	۰/۱۵۸	۴
۵	ریسک‌پذیری	۳۱/۰۲	۵/۱۵	۰/۱۶۲	۵

به منظور تعیین تفاوت ویژگیهای کارآفرینی بین پاسخگویان مرد و زن در نمونه مورد مطالعه، از آزمون مقایسه میانگینها استفاده شد. میان پاسخگویان زن و مرد از نظر قابلیت ریسک‌پذیری تفاوت معناداری وجود داشت ($P=۰/۰۰۰۱$ و $t=۲/۴۵$)، به طوری که زنان ($۳۲/۷۶$) در قیاس با مردان ($۳۰/۴۵$) قابلیت ریسک‌پذیری بالاتری داشتند. مقایسه میانگین نمره خلاقیت در بین دو گروه نشان داد در این خصوص نیز تفاوت بین پاسخگویان زن و مرد معنادار است ($P=۰/۰۰۰۱$ و $t=۲/۶۷$) و زنان در مقایسه با

مردان از روحیه خلاقیت بالاتری برخوردار بودند. در خصوص بقیه قابلیت‌های مورد بررسی، تفاوت معناداری بین دو گروه مشاهده نشد؛ یعنی زنان و مردان از نظر قابلیت انگیزه پیشرفت، کنترل درونی و استقلال‌طلبی، از نمره تقریباً یکسانی برخوردار بودند. این یافته‌ها بر خلاف نتایج تحقیقات گالبریت (۲۰۰۲)، آقا (۲۰۰۲) و برومندنسب (۱۳۸۱) است.

جدول ۲. مقایسه میانگین قابلیت‌های روان‌شناختی کارآفرینی پاسخگویان بر اساس جنسیت

سطح معناداری	آماره t	زن		مرد		متغیر
		انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	
۰/۱۳	-۱/۴۹	۴/۶۸	۳۵/۰۲	۴/۴۸	۳۳/۷۹	انگیزه پیشرفت
۰/۲۸	-۲/۶۷	۴	۳۳/۵۲	۴/۳۳	۳۲/۷۱	کنترل درونی
۰/۰۰	-۲/۶۵	۴/۲۶	۳۲/۷۶	۵/۵۴	۳۰/۴۵	ریسک‌پذیری
۰/۲۰	-۱/۲۸	۴/۹۰	۳۲/۹۶	۴/۷۶	۳۱/۸۵	استقلال‌طلبی
۰/۰۰	-۲/۶۷	۴/۶۸	۳۴/۴۶	۵/۳۷	۳۲/۰۷	خلاقیت

به منظور مقایسه قابلیت‌های کارآفرینی پاسخگویان بر اساس رشته‌های مختلف تحصیلی، از آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه استفاده شد. با مقایسه پاسخگویان در ۵ دانشگاه مورد بررسی، نتایج نشان داد از نظر قابلیت، کنترل درونی به‌عنوان یکی از پنج عامل تشکیل‌دهنده روحیه کارآفرینی، تفاوت معناداری وجود داشت ($F= ۲/۶۳$ و $p= ۰/۰۵$)، به طوری که دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی تهران دارای قابلیت کنترل درونی بالاتری نسبت به دانشجویان دیگر دانشگاه‌ها بودند. نتایج آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه، تفاوت معناداری را بین ۵ گروه مورد مطالعه از نظر میانگین نمره سایر متغیرها نشان داد. این نتایج با نتایج به‌دست آمده از تحقیقات «جعفری‌مقدم و اعتمادی» (۱۳۸۸) و تا حدودی با نتایج

تحقیق «فیض و صفایی» (۱۳۸۸) مطابقت دارد و با نتایج «سوختانلو و همکاران» (۲۰۰۹) همسویی ندارد.

جدول ۳. مقایسه میانگین قابلیت‌های روان‌شناختی کارآفرینی پاسخگویان بر اساس رشته‌های تحصیلی

متغیر	تهران	شهیدبهشتی	اصفهان	کرمان	بوشهر	آماره F	سطح معناداری
انگیزه پیشرفت	۳۴/۸۳	۳۴/۵۰	۳۳/۹۸	۳۲/۷۵	۰۴/۸۵	۱/۵۰	۰/۲۱
کنترل درونی	۳۳/۵۰	۳۲/۴۴	۳۱/۸۰	۳۰/۶۶	۳۰/۵۲	۲/۶۳	۰/۰۵
ریسک‌پذیری	۳۲/۹۲	۳۲/۱۳	۳۲/۰۲	۳۱/۳۵	۳۱/۱۲	۱/۶۷	۰/۱۷
استقلال‌طلبی	۳۱/۵۰	۳۱/۴۰	۳۱/۱۲	۳۱/۰۵	۳۱	۱/۱۶	۰/۳۲
خلاقیت	۳۴/۵۸	۳۴/۱۷	۳۳/۸۸	۳۲/۷۹	۳۱/۷۶	۰/۹۸	۰/۴۰

بحث

در سالهای اخیر به سبب بحران فزاینده اشتغال نیروهای جویای کار، بویژه دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها، موضوع کارآفرینی به‌عنوان عامل محرک توسعه اقتصادی، اهمیت زیادی یافته است. هدف از این تحقیق، ارزیابی مقایسه‌ای قابلیت‌های روان‌شناختی مؤثر بر نگرش‌های کارآفرینانه دانشجویان کتابداری و اطلاع‌رسانی پزشکی دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور است.

مقایسه ویژگی‌های روان‌شناختی کارآفرینانه پاسخگویان بر اساس جنسیت نشان داد قابلیت‌های ریسک‌پذیری و خلاقیت دانشجویان زن نسبت به دانشجویان مرد بالاتر است. بنابراین، به نظر می‌رسد با توجه به امنیت شغلی پایین‌تر زنان نسبت به مردان در جامعه، احساس عدم تقارن فرهنگی و پذیرش عرف جامعه در بسیاری از مشاغل، حقوق و مزایای پایین‌تر، طبقه اجتماعی - شغلی پایین‌تر و اعتماد کمتر بازار کار به استخدام زنان نسبت به مردان، باعث تلاش مضاعف و بروز قابلیت‌های ریسک‌پذیری و خلاقیت در دانشجویان زن نسبت به دانشجویان مرد شده است. لذا، برگزاری کارگاه‌های آموزش کارآفرینی و آشنایی با راهکارهای خود اشتغالی، دوره‌های آموزشی و سمینارهای

آشنایی با شرایط کسب خوداشتغالی و قوانین حمایتی مربوط در جهت بروز و تقویت تواناییهای کارآفرینی در دانشجویان بویژه دانشجویان زن، اثرگذار خواهد بود. همچنین، بر اساس نتایج به دست آمده از تحقیق، میان دانشجویان تحصیلات تکمیلی در دانشگاه‌های مختلف از نظر بیشتر قابلیت‌های کارآفرینی تفاوت معناداری وجود نداشت. بنابراین، بدیهی است ایجاد شرایط آموزشی بهینه در رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی پزشکی به منظور پرورش دانشجویان کارآفرین، نیازمند هماهنگی بیشتر میان دانشگاه و مرکز آموزش کارآفرینی، اطلاع‌رسانی صحیح و تنظیم مناسب محتوای دروسهای کارآفرینی است. مطابق یافته‌ها، به نظر می‌رسد محتوای آموزشهای کارآفرینی بر اساس سطح و نیازهای آموزشی و متناسب با رشته‌های تحصیلی و سطح مهارت‌های کارآفرینی دانشجویان تحصیلات تکمیلی تهیه نشده است. بنابراین، می‌توان راهکارهای زیر را در جهت توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه دانشجویان کتابداری و اطلاع‌رسانی پزشکی پیشنهاد داد:

- ارزش نهادن به کارآفرینی در حیطه کتابداری و اطلاع‌رسانی پزشکی و معرفی دانشجویان کارآفرین موفق به منظور افزایش خودباوری، اعتماد به نفس و تقویت انگیزه کارآفرینی در دانشجویان این رشته از طریق برگزاری سمینارها و همایش‌های متعدد در دانشگاه.
- ارائه آموزشهای تخصصی و کاربردی در زمینه کارآفرینی در قالب دوره‌های آموزشی کوتاه‌مدت، برگزاری همایشها و کارگاه‌های تقویت مهارت‌های کارآفرینی.
- اختصاص واحدی درسی با عنوان کارآفرینی برای دانشجویان تحصیلات تکمیلی و فراهم‌سازی زمینه‌های اشتغال‌زایی.
- تقویت دانشجویانی توانمند با استفاده از آموزشهای نظری، مهارت‌های کاربردی و مهارتهایی از جمله مهارت‌های مدیریتی، بازاریابی و دانش مالی - اقتصادی لازم در جهت تحقق هدفهای توسعه در حیطه کتابداری و اطلاع‌رسانی و پزشکی.

منابع

- احمدپور داریانی، محمود (۱۳۸۳). کارآفرینی، تهران: موسسه فرهنگی و انتشاراتی محراب قلم.
- بدری، احسان و دیگران (۱۳۸۵). «بررسی قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان دانشگاه اصفهان»، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، سال دوازدهم، شماره ۲.
- برومندنسب، محمد (۱۳۸۱). بررسی رابطه ساده چندگانه وضعیت اجتماعی - اقتصادی، انگیزه پیشرفت، مخاطره‌پذیری، جایگاه مهار، خلاقیت و عزت نفس با کارآفرینی در دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز، دانشکده علوم تربیتی.
- پورآتشی، مهتاب و محمد مختارنیا (۱۳۸۸). «بررسی عوامل مؤثر بر کارآفرینی دانش‌آموختگان کشاورزی از دیدگاه اعضای هیئت علمی پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران»، فصلنامه تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، سال چهارم، شماره ۲.
- جعفری‌مقدم، سعید و کاوه اعتمادی (۱۳۸۸). «ارزیابی مقایسه‌ای نگرش‌های کارآفرینانه دانشجویان (مطالعه موردی: دانشجویان کارشناسی ارشد مدیریت کارآفرینی و مهندسی برق دانشگاه تهران)»، فصلنامه توسعه کارآفرینی، سال اول، شماره ۴.
- شریف‌زاده، فتاح و دیگران (۱۳۸۸). «طراحی و تبیین الگوی عوامل مؤثر بر کارآفرینی دانشجویان (مطالعه موردی دانشگاه پیام نور)»، فصلنامه توسعه کارآفرینی، سال دوم، شماره ۶، زمستان ۱۳۸۸.
- صفرزاده، حسین، محمود احمدی شریف و غلامرضا کارگزیان مروستی (۱۳۸۸). «بررسی عوامل مؤثر بر استقرار دانشگاه کارآفرین»، فصلنامه فناوری آموزش، سال چهارم، شماره ۲.
- علی‌بیگی، امیرحسین (۱۳۸۵). توسعه پایدار و آرمان آموزش عالی، کرمانشاه: انتشارات دانشگاه رازی.
- غفاری، هادی (۱۳۸۷). «بررسی قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان دانشگاه پیام نور اراک»، همایش ملی توسعه کارآفرینی در آموزش‌های علمی کاربردی کشاورزی، مشهد: موسسه آموزش عالی علمی کاربردی جهاد کشاورزی.
- فرشاد، سیامک و دیگران (۱۳۸۷). «مراکز رشد مجازی: ابزاری در راستای توسعه کارآفرینی دانشگاه‌ها»، فصلنامه آموزش مهندسی ایران، سال دهم، شماره ۳۷.
- فیض، داود و میلاد صفایی (۱۳۸۸). «ارزیابی و مقایسه ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه دانشجویان دانشکده‌های مختلف دانشگاه سمنان»، فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران، سال دوم، شماره ۲.
- فیض، مهدی و مهدی بهادری‌نژاد (۱۳۸۹). «الگوی شایستگی حرفه‌ای دانش‌آموختگان دانشکده‌های مهندسی نظام آموزش عالی ایران (مورد پژوهی: دانش‌آموختگان دانشگاه صنعتی

- شریف)، «فصلنامه آموزش مهندسی ایران، سال دوازدهم، شماره ۴۶، ۱۳۸۹.
- قاسمی، جواد و علی اسدی (۱۳۸۸). «تحلیل عاملی تأثیرگذار در ایجاد روحیه کارآفرینی دانشجویان تحصیلات تکمیلی (مطالعه موردی: پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران)»، *فصلنامه اقتصاد و توسعه کشاورزی (علوم و صنایع کشاورزی)*، جلد ۲۴، شماره یک.
 - مقیمی، سید محمد (۱۳۸۲). «کارآفرینی اجتماعی»، *فصلنامه رهیافت*، شماره ۲۹.
 - یارایی، علیرضا (۱۳۸۸). بررسی برخی روحیات کارآفرینی در بین دانشجویان و مقایسه آن با مدیران صنایع، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، شیراز: دانشگاه شیراز.
 - Agha, R. and ST (2002). "Are the Women Less Ambitious Than Men? GKT Scientific,Guys, Kings. Thomas Hospitals School of Medicine, Dentistry And BiomedicalScience, London, UK, Vol. 16.
 - Bellu, R.R. and H. Sherman (1995). "Predicting Firm Success from Task Motivation and Attribution Style. A Longitude Study", *Entrepreneurship Regional Development*, Vol. 7, No. 4.
 - Delmar, F (1990). *Entrepreneurial Behavior and Business Performance*, Economic Performance. Economic research Institute, Stockholm.
 - Galbraith, C (2002). "A Note on Gender Differences in Entrepreneurial Risk-taking: A Computerized Business Game Simulation Experiment", Submitted To The Administrative Science Quarterly.
 - Gatewood, E. J., K. G. Shavera and W. B. Gartner (1995). "A Longitudinal Study of Cognitive Factors Influencing Startup Behaviors And Success at Venture Creation", *Journal of Business Venturing*, Vol. 10, 1995.
 - Hood, N. and J. E. Young (1993). "Entrepreneurship's Area's of Development: A Survey of Top Executives in Successful Firm, " *Journal of Business Venturing*, Vol. 1.
 - Miner, J. B., N. R. Smith and J. S. Bracker (1992). "Predicting Firm Survival from Knowledge of Entrepreneur Task Motivation in The Growth of Technologically Innovation Firms", *Interpretations Regional Development*, Vol . 4.
 - Olakitan, O. O. and A. P. Ayobami (2011). "An Investigation of Personality On Entrepreneurial Success", *Journal of Emerging Trends In Economics and Management Sciences*, Vol. 2. No. 2, 2011.
 - Postigo, S (2002). "Entrepreneurship Education in Argentina: The Case Of Sananders University", In Proceedings of The Conference Entitled, The Internationalizing in Entrepreneurship Education and Training. Malaysia.
 - Rissal, R (1992). *A Study of the Characteristics of Entrepreneurs in Indonesia*,Dissertation, George Washington University, U. S. A.
 - Sookhtanlo, M., A (2009). Rezvanfar and S. M. Hashemi, "Psychological CapabilitiesAffecting Agricultural Students Entrepreneurship Level: A Comparative Study",*Research, Journal of Agricultural and Biological Sciences*, Vol. 5, No.2.
 - Vesper, K (1993). *Entrepreneurship Education*, Wellesley, MA: Center for Entrepreneurship's Study.
 - Yamada, J. I (2004). "A Multidimensional View Of Entrepreneurship: Towards a Research Agenda on Organization Emergence", *Journal of Management Development*, Vol.23, No. 4.